



A Study of the Proximizing Approach of *al-Tibyān* and *Majma' al-Bayān* in Quoting the Narrations of Prophetic Household (PBUT)

Sayyid Husayn Musawi Darreh-Bidi* | Omid Ahmadnihad**

Received: 2021/10/15 | Correction: 2022/1/19 | Accepted: 2022/1/19 | Published: 1400/07/25

Abstract

The existence of some common interpretive features between Shi'ites and Sunnis in *al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'ān* indicates the author's motivation to write a proximizing exegesis of the Qur'an. This fact has been quite effective in the manner of Muḥammad b. Ḥasan Ṭūsī (385-460/995-1067) to convey interpretive narrations, especially those belong to ahl al-bayt (Prophetic household). In the following centuries, this manner of interpreting was applied in some other Shi'ite exegeses, especially *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān* of Faḍl b. Ḥasan Ṭabrisī (454-532/1073-1154). Some Sunni scholars have praised Ṭabrisī's moderate manner and thus his interpretation can be considered a successful example of proximizing exegesis of the Qur'an. However, considering the precedence of *al-Tibyān* over *Majma' al-Bayān*, as well as Ṭabrisī's use of the same mode of interpretive moderation, the suggested manner should first be sought in *al-Tibyān*. The present article has investigated the proximizing characteristics of interpretive narrations in these two exegeses by using the method of textual analysis and comparison of narrations. Attention to non-Shi'ite sources, quoting many narrations of the Prophet Muhammad and 'Alī b. Abī-Ṭālib (PBUT) from Sunni sources, refraining from quoting the narrations of the virtues of ahl al-bayt (PBUT) and condemning the first triple Caliphs, and not explicitly quoting Shi'ite teachings, are among the proximizing features of these two Qur'anic exegeses. Nonetheless, the use of more sources, naming Shi'ite and Sunni sources with the priority of the former ones, as well as the abundance of Shi'ite narrations under the Qur'anic verses in particular regarding the narrations of the virtues of ahl al-bayt, are among the differences between *Majma' al-Bayān* and *al-Tibyān*.



Keywords: Muḥammad b. Ḥasan Ṭūsī, *al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'ān*, Faḍl b. Ḥasan Ṭabrisī, *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān*, proximizing exegesis of the Qur'an

* Ph.D. Graduated, Department of Qur'anic Studies, Islamic Azad University, Isfahan, Iran | mosavi15@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Qur'anic Studies, University of Isfahan, Isfahan, Iran | Ahmadnezhad@ltr.ui.ac.ir



بررسی رویکرد تقریبی دو تفسیر التبیان و مجمع البیان در نقل روایات اهل بیت (ع)

سید حسین موسوی دره بیدی * | امیر احمدنژاد **

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۳ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

چکیده

وجود برخی ویژگی‌های مشترک تفسیری فریقین در التبیان، نشان از انگیزه نویسنده در نگارش یک تفسیر تقریبی دارد. این امر در روش نقل روایات تفسیری، به‌ویژه روایات اهل بیت (ع) اثرگذار بوده است. در سده‌های بعد، روش تفسیری التبیان در برخی تفاسیر شیعه به‌ویژه مجمع البیان، استفاده شده است. از سویی، برخی پژوهش‌گران اهل سنت، روش اعتدال‌گرایی طبری در مجمع البیان را ستوده و در نتیجه، این تفسیر تقریبی شناخته می‌شود؛ اما با توجه به قدمت التبیان و استفاده طبری از روش تفسیری طوسی، این رویکرد را ابتدا باید در التبیان جست‌وجو کرد. این پژوهش با روش تحلیل متن (روایات) و تطبیق روایات، به بررسی ویژگی‌های تقریبی روایی در این دو تفسیر پرداخته است. توجه به منابع غیر شیعی، نقل بسیاری از روایات پیامبر و حضرت علی (ع) از منابع اهل سنت، خودداری از نقل روایات فضایل اهل بیت (ع) و مذمت خلفا و عدم نقل معارف شیعی به‌صورت صریح، از ویژگی‌های تقریبی این دو تفسیر است. استفاده از منابع بیش‌تر، نام بردن مصادر فریقین به‌ویژه شیعه، فراوانی روایات شیعی ذیل آیات به‌ویژه روایات فضایل، از جمله تفاوت‌های مجمع البیان با التبیان است.

واژگان کلیدی: التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی، مجمع البیان، طبری، تفسیر تقریبی.

* دانش‌آموخته دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان. | mosavi15@gmail.com

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، دانشکده الهیات و معارف اهل بیت (ع)، گروه علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول). | Ahmadnezhad[at]ltr.ui.ac.ir

مقدمه

از همان آغازین روزهای امامت اهل بیت (ع)، برای پیشگیری از اختلافات در امت اسلام، نیاز به روش‌های تقریبی در تبیین معارف اسلامی، در همه دوره‌ها احساس گردید و امری ضروری برای وحدت امت اسلام بود. روش امامان شیعه در برخورد با مسائل اسلام و پاسخ به سؤالات در مجامع عمومی مسلمانان، روشی تقریب گرا و وحدت‌بخش بود و این روش، الگویی برای اصحاب و دانشمندان شیعه قرار گرفت. در این میان، نقش عالمان اسلامی در افزایش وحدت و تقریب مذاهب و بالعکس، جایگاهی مهم است. شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق)، از جمله دانشمندانی است که به‌خوبی آثار وحدت مسلمانان در دوران آل‌بویه را درک نموده و نتایج اختلاف و تفرقه در آغاز حمله و حکومت سلجوقیان در بغداد را مشاهده کرده است (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ج ۹، ص ۶۳۷)؛ بنابراین، فضای سیاسی-اجتماعی، ایجاد فضای مناسب برای رشد و بقای شیعه و پرهیز از انزوای پیروان شیعه، در انتخاب رویکرد تقریبی *التبیین* نقش مؤثر داشته است. شیخ طوسی در یک نگاه برون‌مذهبی، در آغاز *التبیین*، با یادکرد آثار مفسران غیر شیعی و جمع روش آن‌ها در *التبیین*، اولین گام را به سمت این تقریب برداشته است. وی در ادامه با پذیرفتن تحریف قرآن از نظر فریقین، نقل قرائات قرآنی، استفاده از منابع اهل سنت در تفسیر آیات، رویکرد تقریبی را پررنگ‌تر ساخته است (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱ و ۳). این روش یک قرن بعد، الگویی برای امین الاسلام طبرسی شده و در *مجمع‌البیان* ادامه یافته است.

از جمله شاخص‌های تقریبی *التبیین*، روش نویسنده در نقل روایات شیعه است که بیش‌تر به‌صورت اشاره به اصل یا موضوع روایات هست. این ویژگی به همراه ویژگی‌هایی چون: نقل روایت از منابع روایی اهل سنت، نقل حداکثری روایات پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) از منابع آن‌ها، تقدم در نقل روایات عامه، تعدیل روایات معارف و فضایل شیعه و پرهیز از روایات مذمت خلفا، رویکرد تقریبی *التبیین* را برجسته‌تر ساخته است. اگرچه طبرسی در برخی ویژگی‌های تقریبی همانند *التبیین* عمل کرده، در برخی دیگر مثل نقل روایات و استفاده از منابع شیعی و ذکر نام آن‌ها با *التبیین* تفاوت دارد. روش روایی طبرسی فقط در روایاتی که از *التبیین* نقل کرده است، با این تفسیر مشابهت دارد و حتی در برخی از همین

روایات، آن‌ها را کامل‌تر نقل کرده است. این پژوهش با توجه به قدمت نگارش *التبیان*، ابتدا به بررسی ویژگی‌های روایی تقریبی این تفسیر پرداخته و در ادامه، آن‌ها را با تفسیر *مجمع‌البیان* مقایسه کرده است.

الف) تبیین فضای نگارش

بدیهی است بررسی اوضاع زندگی نویسندگان و فضای علمی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی (فضای نگارش) هر اثر، موجب روشن شدن انگیزه‌های نگارش و انتخاب سبک و روش نویسندگان می‌شود و در نتیجه در فهم معنا و مفهوم متن مورد نظر وی مؤثر است.

۱. التبیان فی تفسیر القرآن

شیخ طوسی در *التبیان*، در خلال مباحث تفسیری، گاه از آثار و کتاب‌های خود نام می‌برد.^۱ این نشان می‌دهد که *التبیان* از آثار اواخر زندگی شیخ بوده است؛ اما فضای نگارش آن را باید از نیمه دوم قرن چهارم بررسی کرد که شامل اوضاع زمانی، ویژگی‌های مکانی به‌ویژه شهر بغداد، اوضاع سیاسی - اجتماعی در دو دوره حکومت آل‌بویه و بعد از آن‌ها، رشد عقل‌گرایی و شکل‌گیری مکتب روایی شیعی بغداد است.

زندگی شیخ طوسی را باید در دو قسمت دوران حکومت آل‌بویه و سلجوقیان بررسی نمود. حکومت شیعی آل‌بویه (۳۲۲-۴۴۸ ق)، نقش مؤثری در پیشرفت علوم، فرهنگ و تمدن اسلامی داشته و بخشی از این پیشرفت را باید مدیون دانشمندان و وزیران آل‌بویه (دیلیمان) دانست (سجادی، آل‌بویه، ص ۶۴۴). دانشمندان شیعه جایگاه خاصی نزد آل‌بویه داشتند و سرزمین‌های اسلامی، شاهد رشد علم و حضور دانشمندان مذاهب اسلامی بود. بغداد، پایتخت خلافت، از جمله این مراکز بود که شهری فرهنگی - فرامذهبی به شمار می‌آمد و دانشجویان و دانشمندان مذاهب مختلف اسلامی برای تحصیل علم، تضارب آرا و اندیشه‌ورزی به آن جا

۱. برخی از این آثار عبارتند از: *خلاص الفقهاء* (طوسی، بی‌تا، ۱۳/۱ و ۲۳۰/۲ و ۴۰۵/۷)، *النهایه و المبسوط* (همان، ۱۵۹/۲ و ۵۳۸/۳)، *الاصول* (همان، ۷۲/۲ و ۹۳/۵)، *الامامه* (همان، ۴۸۵/۲ و ۵۶۳/۳)، *شرح الجمل* (همان، ۵۵۰/۲ و ۴۰۳/۳)، *تلخیص الشافی* (همان، ۵۸۸/۲)، *العدة فی اصول* (همان، ۱۶۸/۱) و *تهذیب الأحکام* (همان، ۴۰۹/۳).

می‌آمدند. تعداد کتاب‌فروشی‌ها، مدارس، مساجد و کتابخانه‌های آن، میزان فعالیت‌های علمی - فرهنگی آن را نشان می‌داد. (عبدالعزیز دوری و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۲۶)

قسمت دوم زندگی شیخ، با روی کار آمدن ترکان سلجوقی و با حمله طغرل بیگ به بغداد، در سال ۴۴۷ قمری شروع می‌شود که حوادث تلخی در آن روی داد و شیعیان غارت شدند (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ج ۹، ص ۶۱۰). بر اثر درگیری‌های عقیدتی، کتابخانه‌های در دسترس شیعه سوزانده شد و وضعیت برای عالمان شیعه سخت گردید (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ج ۹، ص ۶۱۰؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۶). در این اوضاع و احوال، شیخ طوسی مجبور شد به نجف مهاجرت نماید.

عقل‌گرایی و تغییر مکتب‌روایی، از دیگر ویژگی‌های این دوره است. عقل‌گرایی، بیش‌تر در نتیجه تضارب آرا و رشد و توسعه مناظرات فرقه‌ها و مکاتب کلامی به‌ویژه معتزله به وجود آمد و فرصت مناسبی برای دفاع از عقاید شیعه فراهم گردید (فقیهی، ۱۳۷۸ ش، ص ۴۰ و ۵۷). هم‌چنین مکتب‌روایی قم و ری، با وفات محدثانی چون: ابن الولید، شیخ صدوق (د. ۳۸۱ ق) و پدر شیخ به بغداد منتقل شد (فیروزمندی بندپی، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۴۹) و مکتب‌روایی بغداد با حضور محدثانی چون: شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی شکل گرفت.

مجموعه ویژگی‌های فوق، در شکل‌گیری یک تفسیر جامع و تقریبی تأثیرگذار بود و گفتمان برخاسته از اوضاع قرن ۴ و ۵ به‌ویژه عقل‌گرایی، در نگارش *التیان* متبلور شد. شیخ طوسی به‌جای جمع روایات تفسیری شیعه یا پرداختن به یک‌رشته از دانش‌های قرآنی، با نگاهی کلان‌تر، با استفاده از نگارش‌های قرآنی فریقین به‌ویژه اهل سنت، اولین تفسیر جامع، کامل و اجتهادی شیعه را نگاشت. وی در *التیان*، به مباحث علم قرائات، واژه‌شناسی و بررسی مفردات قرآنی، نکات ادبی، روایات تفسیری منقول از صحابه و تابعین، روایات اهل بیت (ع)، نظریات مفسران پیشین، مباحث کلامی و فقهی و پاسخ‌گویی به شبهات پرداخته و درباره آن‌ها مانند یک مفسر نقاد، بحث و بررسی کرده است. وی برای نوشتن *التیان*، از آثار قرآنی دانشمندان فریقین و بیش‌تر از منابع عامه استفاده نمود. جامع‌البیان طبری، از مهم‌ترین این منابع است که مرجعی برای اقوال و آراء تفسیری، شأن نزول‌ها و نقل‌های تاریخی محسوب می‌شد.

و شیخ طوسی فراوان از آن استفاده نمود (طوسی، بی تا، سراسر اثر). شیوه متفاوت در تفسیر و روش جامع‌نگر وی را می‌توان "مکتب تفسیری التبیان" دانست که بر تفاسیر بعدی شیعه از جمله: *مجمع البیان*، *روض الجنان و روح الجنان*، *فقه القرآن* (قطب راوندی)، *منهج الصادقین و المیزان فی تفسیر القرآن* تأثیر گذارده است. (کریمی نیا، ۱۳۸۵، ص ۸۳)

ویژگی‌های سبک تفسیری *التبیان* به‌ویژه در شیوه نقل روایات و دوری از طرح مباحث اختلاف‌انگیز، چهره‌ای از یک تفسیر تقریبی را برای جهان اسلام نمایان ساخت.^۱ برخی معتقدند که شیخ طوسی، نخستین مفسری است که رویکرد تطبیقی شیعی-سنی را برگزید (شاکر و عسکری، ۱۳۹۶، ص ۱۴). یکی از شواهدی که این رویکرد تطبیقی و تقریبی *التبیان* را تقویت می‌سازد، نظر برخی دانشمندان اهل سنت مانند قاضی سبکی و سیوطی است که وی را در زمره دانشمندان شافعی مذهب نام برده‌اند. سبکی فقاہت وی را با ورود به بغداد، به مذهب شافعی شبیه دانسته است. (سبکی، بی تا، ج ۴، ص ۱۲۶؛ سیوطی، بی تا، ص ۱۴۸)

۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن

دوران زندگی امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی (۴۶۸-۵۴۸ ق) در دو نیمه قرن ۵ و ۶ واقع گردید. زادگاه وی را تفرش یا طبرستان دانسته‌اند. خانواده او از خاندان‌های معروف شیعه بوده و در مشهد (سناباد توس) وطن‌گزیده‌اند. او در آن جا نشو و نما یافت و در سال ۴۲۳ قمری به سبزوار هجرت کرد. (عقیقی بخشایشی، ۱۴۳۳، ص ۴۰۸) بیهقی (د. ۵۶۵ ق) آثار طبرسی را زیاد دانسته و به تفسیر ده‌جلدی او اشاره کرده است (بیهقی، بی تا، ص ۲۴۲). به لحاظ اوضاع سیاسی - اجتماعی، طبرسی در دوره خلافت عباسی و حکومت سلجوقی (۶۱۷-۴۲۹ ق) می‌زیسته است. از نظر مذهبی در عصر طبرسی، در مشرق سرزمین‌های اسلامی، همه اصحاب ابوحنیفه؛ در مغرب، اصحاب مالک؛ در چاچ و نیشابور، اصحاب شافعی؛ و در شام، اقور و رحاب، اصحاب حدیث بوده‌اند. در ایران در مشهد، قم، کاشان، آوه، سبزوار، گرگان و استرآباد و بخشی از طبرستان و ری، همه شیعه اصولی مذهب بودند.

^۱ البته شیخ طوسی در برخی موارد محدود، بر اساس تاریخ و اسباب نزول به نقد فضیلت‌های منسوب به خلفا پرداخته است.

هم‌چنین شیعیان اسماعیلی در قزوین و زیدی‌ها در شمال ایران سکونت داشتند (کریمان، ۱۳۶۱ ش، ج ۱، ص ۶۱). سلجوقیان، پیرو مذهب حنفی بودند و با شعار احیای قدرت اهل سنت به بغداد وارد شدند. رفتار حاکمان سلجوقی با شیعیان متفاوت بوده است:

«دوره سلجوقیان را باید دو دوره کرد: دوره اول با شیعه، سخت‌گیری شده و دوره دوم، با مدارا و تسامح برخورد شده است؛ البته بین شیعیان امامیه که به دنبال حکومت نبوده و اسماعیلیان داعیه‌دار حکومت که در پی درگیری و نزاع بوده‌اند، تمایز وجود داشته است».

(جعفریان، ۱۳۸۸ ش، ص ۳۹۲)

بنابراین دوران طبرسی نیز دوره چندان باثباتی نبوده است. به لحاظ علمی نیز در مجموع، رشته‌های علوم شیعه، پس از دوران حدیث در قرن پنجم تثبیت شد و آثار کاملی در کلام، تفسیر، حدیث، فقه و... به وجود آمد. ذکر برخی از این آثار در مجمع‌البیان، شاهدهی بر این مسأله است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱، ص ۱۸۶، ۱۹۰ و ۴۳۴؛ ج ۷، ص ۲۲۶).

مهم‌ترین منبع طبرسی در مجمع‌البیان، بنا بر اذعان خود او، التبیان است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۲، ص ۹). روش تفسیری او از نظر ویژگی‌های تقریبی، تقریباً مشابه با التبیان است؛ اما در مواردی، تفاوت‌های محسوس با آن دارد. وی در بیان مطالب، نظم بیش‌تری دارد و تا پایان آن را رعایت نموده و در نقل روایات دقت بیش‌تری کرده و روایات را کامل‌تر و در بعضی موارد، مصادر آن‌ها را آورده است. هم‌چنین در برخی موارد، اسناد روایات را کامل و یا قسمت‌هایی از آن را ذکر کرده است. از نظر تعداد روایات، روایت‌های بیش‌تری را ذیل آیات نقل می‌نماید. وی در مقایسه با التبیان و در بسط و تبیین آراء شیعه، قوی‌تر عمل کرده و در نقل آن‌ها صراحت بیش‌تری دارد. روش اعتدالی و همراه با انصاف طبرسی در لحن و شیوه تفسیر و برخورد با اقوال و آراء اهل سنت، موجب شده تا برخی از بزرگان اهل سنت مانند ذهبی و شیخ شلتوت، در برابر این تفسیر، کرنش نشان دهند و روش تفسیری وی را بستانند. (ذهبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۱ و ۱۴۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱، ص ۱۷)

ویژگی‌های تفسیر تقریبی از نگاه پژوهش گران

عنوان تفسیر تقریبی، از اصطلاحات مطرح در دوره متأخر است. اگرچه ویژگی‌هایی در تفاسیر متقدمان نیز برای این رویکرد مشاهده می‌شود، دانشمندان معاصر، به صورت گسترده‌تر، معیارهایی را برای تفسیر تقریبی برشمرده‌اند. این ویژگی‌ها را در دودسته می‌توان تقسیم‌بندی نمود:

اول، ویژگی‌هایی که مورد اشتراک فریقین است و می‌توان از آن‌ها به عنوان مبانی تفسیر فریقین نام برد. امکان فهم و جواز تفسیر قرآن، عدم تفسیر به رأی، عدم تحریف قرآن، سطوح و بطون قرآن، حجیت سنت پیامبر در تفسیر، از مبانی مشترک تفسیر فریقین است. (نجارزادگان، ۱۳۹۰ ش، ص ۷)

دوم، ویژگی‌هایی که اتفاق نظر کم‌تری در فریقین دارد؛ اما مفسر با توجه به وضعیت زمان و مکان، با طرح آن‌ها زمینه بیش‌تری برای وحدت و تقریب مذاهب اسلامی فراهم کرده و اشتراکات را پررنگ‌تر ساخته است. پذیرش قرائات قرآنی، احترام به اعتقادات فریقین، پرهیز از روایات مذمت صحابه، توجه به اقوال صحابه و تابعین و نقل آراء فقهی مذاهب و نقد و بررسی بر اساس استدلال و برهان را از ویژگی‌های دسته دوم می‌توان برشمرد. در یک نگاه خاص‌تر، استفاده از روایات تفسیری اهل سنت، ادبیات ملایم، عدم لزوم بیان تمام حق، رعایت ادب در تطبیق مصادیق و بیان مطلب حق به صورت لازمه ظاهر کلام و نه به صورت صریح، از شاخصه‌های خاص تفسیر تقریبی شمرده شده است (جهرمی، ۱۳۹۷ ش، ص ۳۳-۳۹)؛ البته برخی از معیارهایی که امروزه دانشمندان برای تفسیر تقریبی برشمرده‌اند، در زمان نگارش تفاسیر متقدم، مطرح نبوده و یا قابل انطباق با آن‌ها نیست و این نکته درباره ویژگی‌های التبیان و مجمع البیان که چندین قرن قبل نوشته شده، صدق می‌کند. به‌طور کلی عدم تحریف قرآن، پذیرش قرائات قرآنی، احترام به اعتقادات فریقین، پرهیز از مذمت صحابه، توجه به اقوال صحابه و تابعین، نقل روایات از منابع اهل سنت، نقل آراء فقهی مذاهب و نقد و بررسی بر اساس استدلال، از شاخصه‌های تقریبی برجسته این دو تفسیر است. هریک از این تفاسیر نیز ویژگی‌های خاص خود را دارند که جداگانه بررسی می‌گردد.

ویژگی‌های روایی التبیان و مجمع‌البیان با رویکرد تقریبی

با توجه به قدمت نگارش *التبیان* و اشاره طبرسی به استفاده از آن، ابتدا ویژگی‌های *التبیان* را بررسی نموده، سپس شواهد موردنظر را با *مجمع‌البیان* تطبیق می‌دهیم.

۱. استفاده از منابع و مصادر غیر شیعی در نقل روایات

استفاده از منابع و کتب دیگر مذاهب و احترام به نظریات آن‌ها، اگرچه می‌تواند دلایل مختلفی چون نقد و بررسی و پاسخ‌گویی به اشکالات گروه‌های مخالف باشد، یکی از راه‌هایی است که به تقریب بین مذاهب کمک می‌کند. در توجیه استفاده از این ویژگی توسط شیخ طوسی و طبرسی می‌توان سه فرض را محتمل دانست:

اول، تقدم جمع‌آوری نظریات تفسیری مفسران متقدم به‌ویژه صحابه و تابعین و نقل روایات پیامبر و حضرت علی (ع) توسط نویسندگان اهل سنت، در صورتی که در شیعه کسی اقدام به این کار نکرده بود و نویسندگان شیعی چاره‌ای جز نقل کردن از این مصادر نداشتند؛ البته ممکن است شیعه آثاری داشته که مفقود شده است.

دوم، علم تفسیر در ابتدای شکل‌گیری در جهان اسلام، با این ویژگی پایه‌گذاری و شناخته می‌شد و به‌ناچار شیخ طوسی و بالتبع طبرسی، ابتدا با این روش به تفسیر قرآن پرداخته‌اند و در نتیجه این روش تقریبی را سبک تفسیری ایشان بنامیم.

سوم، شیخ طوسی می‌توانسته یک تفسیر کاملاً منطبق با روایات و معارف شیعی با آوردن نظریات تفسیری، کلامی و فقهی خودش بنویسد که هیچ صبغه‌ای از آثار اهل سنت نداشته باشد؛ اما فرض مراجعه شیخ به آثار قرآنی اهل سنت و نقل اقوال و روایات تفسیری متقدمان که از شاخصه‌های اصلی تفسیر آن دوره محسوب می‌شده، مقبولیت عمومی داشته است؛ بنابراین، شیخ به این ویژگی نظر داشته و در نتیجه به رویکرد تقریب مذاهب، توجه کرده است. فرض اول و دوم محتمل است؛ اما فرض سوم با توجه به فضای نگارش *التبیان*،

یادآوری آثار قرآنی دانشمندان امت اسلام در مقدمه *التبیان* (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۱) و روش های نقل روایات و معارف شیعه^۱ در آن تقویت می گردد. منابع مورد استفاده در *التبیان* را به دودسته می توان تقسیم نمود:

الف) منابع غیر روایی: قرائت، لغت، ادبیات عرب، کلام، تاریخ و غیره

شیخ طوسی در نقل روایات و اقوال تفسیری، از تفاسیر طبری، ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی (د. ۳۲۲ ق)، ابوبکر احمد بن علی رازی جصاص (د. ۳۷۰ ق)، ابوالقاسم بلخی (د. ۳۱۹ ق)، ابوبکر نقاش (م ۳۵ د. ق)، وزیر مغربی (د. ۴۱۸ ق) و... استفاده کرده و در نقل برخی روایات مربوط به سیره پیامبر (ص)، از منابع تاریخی چون: واقدی، ابن اسحاق^۲ و عمر بن شبه بهره برده است. بررسی و تطبیق روایات در *التبیان*، نشان می دهد که شیخ طوسی در نقل روایات، کمترین استفاده را از مصنفات و مجامع حدیثی متقدم عامه کرده؛ زیرا هیچ اشاره ای به آنها نشده و نام هیچ یک از آنها در *التبیان* نیامده است.

ب) منابع روایی: مجامع روایی و تفاسیر

منابع روایی طبرسی، در مقایسه با طوسی، گستردگی و تنوع بیش تری در استفاده از منابع اهل سنت دارد. وی علاوه بر منابع یادشده، از تفاسیر دیگر چون: تفسیر کلبی و تفسیر ثعلبی و از مجامع روایی مانند صحیح بخاری، صحیح مسلم، *دلائل النبوه* بیهقی و... استفاده کرده است؛ برای مثال در تفسیر سوره حمد می نویسد:

«روي عن النبي (ص) قال: قال الله تعالى قسمت الصلاة بيني وبين عبدي نصفين نصفها لي و نصفها لعبدي فإذا قال العبد * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * يقول الله حمدي عبدي فإذا قال * الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * يقول الله أثنى علي عبدي فإذا قال العبد * مَا لِكَ يَوْمَ الدِّينِ * يقول الله مجدني عبدي فإذا قال * إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * يقول الله هذا بيني وبين عبدي و لعبدي ما سأل فإذا قال * اهْدِنَا الصِّرَاطَ

^۱. شیخ طوسی در التبیان، کمترین روایات شیعی را به صورت کامل نقل کرده است. وی بیش تر روایات را به صورت نقل به معنا، تقطیع، اختصار متن و اشاره به موضوع آنها نقل کرده است. با توجه به این موارد می توان گفت: اصل حاکم بر نقل روایات در التبیان پرهیز از نقل مستقیم روایات شیعه و اشاره به روایات و یا موضوع آنهاست.

^۲. بیش تر اقوال ابن اسحاق در التبیان از تفسیر طبری نقل شده است.

الْمُسْتَقِيمَ* إِلَى آخِرِهِ، قَالَ اللَّهُ هَذَا لِعِبْدِي مَا سَأَلَ، أوردده مسلم بن الحجاج في الصحيح». (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱، ص ۸۸)

همین روایت را طوسی با اندکی تفاوت و اختصار بدون نام بردن از منبع آن، نقل کرده است. (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۴۶)

در نمونه دیگر، طبرسی ذیل آیه *وَسَيَقُ الَذِينَ اتَّقُوا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاؤُهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا...* (زمر/ ۷۳)، این روایت را از بخاری و مسلم نقل کرده است:

«عن سهل بن سعد الساعدي أن رسول الله (ص) قال أن في الجنة ثمانية أبواب منها باب يسمى الريان لا يدخلها إلا الصائمون رواه البخاري ومسلم في الصحيحين». (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۸، ص ۷۹۶)

اما شیخ طوسی بدون اشاره به هیچ روایتی فقط به تفسیر آیه پرداخته است. روش غالب وی، عدم ذکر منابع مورد استفاده در التبیان است و در موارد اندکی به آن‌ها اشاره نموده و بیش تر نام نویسندگان را آورده است. هم چنین نام نویسندگانی که نظریات آن‌ها در التبیان نقل شده، نشان می‌دهد که آثار آن‌ها در دسترس شیخ بوده است. این روش در مصادر شیعی التبیان متفاوت است و از عناوین کلی «اخبارنا، اصحابنا، تفاسیرنا و فی تفسیر اهل البيت (ع)» استفاده کرده است (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۴۲؛ ج ۲، ص ۳؛ ج ۷، ص ۳۵۱ و ج ۸، ص ۵۷۷). در میان نویسندگان شیعه، فقط نام وزیر مغربی، سید مرتضی و قمی برده شده (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۴۸؛ ج ۲، ص ۹ و ج ۳، ص ۳۸۶) و هیچ نامی از مجامع روایی متقدم شیعه و نویسندگان آن‌ها به میان نیامده است. این مسأله نیز می‌تواند شاهی بر رویکرد تقریبی این تفسیر باشد.

طبرسی در مجمع‌البیان، برخلاف طوسی، نام این مصادر روایی را به صراحت آورده و روایات زیادتری از آن‌ها نقل کرده است. نام تفاسیر شیعی، علی بن ابراهیم و سید مرتضی با فراوانی بیش تر و نام مفید و کتاب‌های الکافی، التهذیب و من لا یحضره الفقیه، با فراوانی کم تر در مجمع‌البیان دیده می‌شود.

جدول‌های ذیل، آمار مقایسه‌ای مصادری است که این دو مفسر، دیدگاه‌های نویسندگان آن‌ها را در التبیان و مجمع البیان نقل کرده‌اند.

جدول مصادر اهل سنت

عنوان	التبیان	مجمع البیان	عنوان	التبیان	مجمع البیان
الزجاج	۹۲۸	۹۴۶	الجبایی	۷۵۸	۸۷۲
الفراء	۶۸۸	۳۷۶	البلخی	۳۹۳	۱۷۸
الواقدي	۱۵	۱۵	علی بن عیسی الرمانی	۳۳۰	۱۸۴
			ابومسلم اصفهانی	۳۶	۴۳۸

جدول مصادر شیعی

عنوان	التبیان	مجمع البیان	عنوان	التبیان	مجمع البیان
الکافی	۰	۱	الشیخ المفید	۰	۸
التهدیب	۱	۱	ابوجعفر بن بابویه ^۲	۰	۱۰
العیاشی ^۳	۱	۱۰۱	علی بن ابراهیم	۲	۷۷

شیخ طوسی بسیاری از روایات پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) را از منابع عامه و یا بدون اشاره به منابع آن‌ها با واژه "روی" نقل کرده است. بعضی از این روایات، به‌ویژه روایات پیامبر (ص) در مصادر متقدم شیعه نیز نقل شده است و شیخ می‌توانسته به آن‌ها اشاره کند؛ اما هیچ اشاره‌ای به این مصادر نکرده است؛ برای نمونه، ذیل آیه *إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ* (بقره/۱۵۹)، در تفسیر آن به عمومیت آیه اشاره و به روایتی در این موضوع استشهاد می‌نماید: «وقد روي عن النبي (ص) أنه قال: من سئل عن علم يعلمه، فكتمه ألجم يوم القيامة بلجام من نار». (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۶)

^۱. مواردی از نقل‌های طبری نیز با عنوان «ابن جریر» نقل شده که در این آمار نیامده است.

^۲. نقل‌های طبری از ابوجعفر ابن بابویه از کتاب‌های من لا یحضره الفقیه، التوحید و النبوه است.

^۳. عنوان «تفسیر» و «کتاب»، در بسیاری از نقل‌های عیاشی و علی بن ابراهیم در مجمع البیان ذکر شده است.

طبرسی نیز احتمالاً همین روایت را از *التبیین* نقل کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ش، ج ۱، ص ۴۴۲). این روایت در تفسیر طبری، مطابق با همین واژگان نقل شده است: «روي عن رسول الله صلى الله عليه وسلم أنه قال: من سئل عن علم يعلمه فكتمه، ألجم يوم القيامة بلجام من نار». (طبری، ۱۴۱۲، ق، ج ۲، ص ۳۲)

همین روایت با اضافات و تفاوت‌هایی در برخی منابع شیعی دیگر نقل شده است. (الامام الحسن العسكري، ۱۴۰۹، ق، ص ۴۰۲؛ صفار، ۱۴۰۴، ق، ج ۱، ص ۹)

در نمونه دیگر، ذیل آیه *الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَ طَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَ طَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ...* (مائده/۵)، پس از نقل اختلاف نظر مفسران عامه و خاصه در نهی ذبایح اهل کتاب این روایت را نقل کرده است: «روی تحریم ذبایح نصاری تغلب عن علی علیه السلام». (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۴۴۴)

شیخ طوسی این روایت را از طبری نقل می‌کند، در حالی که خودش این روایت را در *تهذیب الاحکام* به نقل از حضرت علی (ع) نقل کرده است (طوسی، ۱۴۰۷، ق، ج ۹، ص ۶۴) و می‌توانسته این روایت را به منبع خود در *تهذیب* ارجاع دهد. طبرسی نیز دقیقاً مطالب *التبیین* را در تفسیر آیه نقل کرده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ش، ج ۳، ص ۲۵۰؛ برای نمونه‌های بیش‌تر نک. طوسی، بی تا، ۱/۴۱۷، ۱۳۷ و ۴۶۶؛ ۴/۳۰۴؛ ۶/۲۸۴ و ۸/۲۴۷)

نقش برجسته تفسیر طبری در التبیین با رویکرد تقریبی

جامع البیان طبری، در بین منابع غیر شیعی *التبیین*، نقش برجسته‌تری دارد. نقل‌های فراوان شیخ طوسی از طبری در این تفسیر، بیان‌گر این موضوع است. سؤال این جاست: تفسیر طبری چه ویژگی‌هایی دارد که مورد توجه شیخ طوسی قرار گرفته است؟ این تفسیر دائره المعارفی از اقوال تفسیری مفسران متقدم یعنی صحابه و تابعین است - هرچند از امامان شیعه که در ردیف تابعین شمرده می‌شوند، روایات کم‌تری نقل کرده است. هم‌چنین جمع نمونه‌های متنوع روایات، ذیل آیه به همراه نظریات خود طبری، مقبولیت و شهرت این تفسیر در بین دانشمندان عامه از این ویژگی‌هاست؛ بنابراین نقل از این تفسیر، به کم نمودن اختلافات

تفسیری و تقریب بین فریقین کمک می کرده است. دو ویژگی خاص در نقل های التبیان از تفسیر طبری دیده می شود.

۱. نقل روایت با کمترین تغییرات واژگان

شیخ طوسی در نقل بیشترین روایات فریقین در التبیان، از روش اختصار و اشاره، استفاده نموده و کمترین روایتی را با تمام واژگان نقل کرده است؛ اما در نقل روایات پیامبر (ص)، صحابه و تابعین از تفسیر طبری، آن ها را با تغییرات کمتری ذکر نموده است. این نشان می دهد تفسیر طبری در دسترس شیخ بوده است؛ برای نمونه، در تفسیر آیه *فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ* (بقره/۳۷)، در پذیرش یا عدم پذیرش توبه، هنگام ظهور نشانه های قیامت، روایتی از پیامبر (ص) نقل کرده است:

«اختلفوا في التوبة عند ظهور أشرار الساعة، هل تصح أم لا؟ فقال الحسن: يحجب عنها عند الآيات الست ورواه عن النبي (ص) انه قال: بادروا الأعمال قبل ست: طلوع الشمس من مغربها و الدجال و الدخان و دابة الأرض و خويصة أحدكم يعني الموت و أمر العامة يعني القيامة». (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۱)

طبرسی نیز این روایت را در ذیل آیه مذکور نقل کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱، ص ۲۰۱). اصل روایت، عیناً در تفسیر طبری نقل شده است:

«حدثنا بشر بن معاذ، قال: ثنا معاوية بن عبد الكريم، قال: ثنا الحسن، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: "بادروا بالأعمال ستا: طلوع الشمس من مغربها و الدجال و الدخان و دابة الأرض و خويصة أحدكم و أمر العامة"». (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۸، ص ۶۸)

در نمونه دیگر، شیخ طوسی در تفسیر آیه *وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ* (بقره/۲۴۸)، روایاتی از مفسران و اهل بیت (ع) در بررسی مفهوم تابوت و سکینه آورده و از جمله، این روایت را نقل کرده است:

«وروي عن علي (ع) أنه قال: السكينة التي كانت فيه ريح هفافة لها وجه كوجه الإنسان».

(طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۲۹۳)

طبری این روایت را با نقل‌های گوناگون و از جمله نقل شیخ طوسی چنین آورده است: «حدثنا عمران بن موسى، قال: ثنا عبد الوارث بن سعيد، قال: ثنا محمد بن جحادة، عن سلمة بن كهيل، عن أبي وائل، عن علي بن أبي طالب، قال: السكينة: ریح هفافة لها وجه كوجه الإنسان». (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۳۸۵)

هم‌چنین طبرسی در تفسیر آیه، ضمن نقل روایت کامل و طولانی از تفسیر قمی، روایت مذکور را نیز نقل کرده است. (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۲، ص ۶۱۴)

نمونه‌هایی از روایات پیامبر (ص) را می‌توان در تفسیر التبیان دید (طوسی، بی‌تا، ۲۹، ۳۴۷/۱ و ۴۲۷؛ ۳۲/۲ و ۱۱۷؛ ۷۰/۳؛ ۸۱/۴؛ ۱۵/۵ و ۲۷۸/۶) و هم‌چنین نمونه‌هایی از روایات حضرت علی (ع). (طوسی، بی‌تا، ۱۲۲/۲؛ ۹۵/۳؛ ۱۹۱/۴؛ ۴۸۶/۵؛ ۲۹۳/۶ و ۲۶۲/۹)

۲. نقل روایات اهل بیت (ع)

از دیگر شاخصه‌های التبیان در استفاده از جامع‌البیان این است که شیخ طوسی، برخی روایات ائمه (ع) را از این تفسیر نقل کرده است. در توجیه این که انگیزه شیخ در نقل این روایات از تفسیر طبری چیست، علاوه بر نشان دادن جایگاه اهل بیت (ع) در تفسیر، می‌توان به انگیزه تفسیر تقریبی اشاره کرد؛ برای نمونه، یکی از مسائل مالی در اسلام، فیء و خمس و تقسیم آن‌هاست. شیخ طوسی در تفسیر آیه *وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّلَاقِ الْجُمُعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* (انفال/۴۱)، به تفاوت آن‌ها اشاره و نظر فقهی شیعه را مطرح کرده و در ادامه، روایتی را از امام سجاد و امام باقر (ع) آورده است:

«ان مال النبیء للإمام خاصة بفرقة فيمن شاء بعضه في مؤونة نفسه وذوي قرابته و اليتامي و المساكين و ابن السبيل من اهل بیت رسول الله ليس لسائر الناس فيه شيء... و هو قول علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب و محمد بن علي الباقر ابنة عليهم السلام رواه الطبري بإسناده عنهما». (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۲۳)

طبری روایتی نزدیک به این مضمون را در تفسیر آیه نقل کرده (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۰، ص ۷) و طبرسی نیز شبیه به روایت التبیان آورده است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۴، ص ۸۳۵)؛ در حالی که هر دو می‌توانسته‌اند روایات مربوط به خمس را از منابع شیعی نقل کنند. در نمونه دیگر، در آیات *فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ* وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ أَذْبَارَ السُّجُودِ* (ق/۳۹ و ۴۰)، چهار زمان برای تسبیح خدای متعال ذکر شده است. شیخ طوسی علاوه بر اقوال مفسران، روایتی از امام حسن (ع) در اوقات نمازها نقل کرده است:

«قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ صَلَاةُ الْفَجْرِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ صَلَاةُ الْعَصْرِ - فِي قَوْلِ قَتَادَةَ وَ ابْنِ زَيْدٍ - وَ مِنَ اللَّيْلِ يَعْنِي صَلَاةَ اللَّيْلِ يَدْخُلُ فِيهِ صَلَاةُ الْمَغْرِبِ وَ الْعَتَمَةُ وَ قَالَ ابْنُ زَيْدٍ: هُوَ صَلَاةُ الْعَتَمَةِ وَ أَذْبَارَ السُّجُودِ الرُّكْعَتَانِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ فِي قَوْلِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ع.» (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۷۴)

طبرسی نیز نقل‌های مختلف این روایات را از ائمه و صحابه به نقل از تفسیر طبری آورده است. (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۹، ص ۲۲۵)

این روایت در تفسیر طبری این گونه نقل شده است:

«عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، عَنْ الْحَرِثِ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ ضَمْرَةَ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، قَالَ: "أَذْبَارَ السُّجُودِ الصَّلَاةُ الرُّكْعَتَانِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ." (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۶، ص ۱۱۳؛ برای نمونه‌های بیش‌تر نک. طوسی، بی‌تا، ۳۱۱/۱؛ ۱۱۷/۲؛ ۴۶۰/۵؛ ۲۵۵/۶ و ۴۶۸؛ ۳۵۱/۸؛ ۲۶۲/۹ و ۹۸/۱۰)

آمار مقایسه‌ای و تطبیق روایات، نشان می‌دهد که نقل‌های مجمع‌البیان از طبری بسیار کم‌تر از التبیان است. اگرچه برخی نظریات طبری بدون نام بردن از وی در این دو تفسیر نقل شده، این موضوع در التبیان بیش‌تر است. طبرسی ترجیح داده از منابع و تفاسیر دیگر اهل سنت مانند تفسیر ثعلبی نیز استفاده کند که هم‌زمان با التبیان نوشته شده و به نقل روایات اهل بیت (ع) روی خوش نشان داده است. (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱، ص ۱۱۲؛ ج ۲، ص ۵۹۹ و ج ۳، ص ۵۲)

۳. پرهیز از روایات فضایل اهل بیت (ع)

بسیاری از روایات نقل شده در تفاسیر شیعه، روایات خاص شمرده می‌شود که به بطن دیگری از معنای آیه اشاره دارد. این روایات، بیش‌تر به جایگاه امامت ولایت و فضایل اهل بیت (ع) پرداخته و در تفاسیر اهل سنت کم‌تر نقل شده است. شیخ طوسی با این که برخی از روایات/تبیان را از تفاسیر عیاشی و قمی نقل می‌کند، این دسته روایات را نقل نکرده و در موارد محدودی فقط به آن‌ها اشاره کرده است (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۷ و ج ۷، ص ۱۹۶). وی بیش‌تر به نقل روایاتی بسنده کرده که به معنای ظاهری آیات اشاره دارند؛ برای نمونه، در آیه *أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ* (ابراهیم/۲۴)، در تبیین عبارت «شجره طیبه»، به معنای کلی «علم» که هم چون اصلی است و فرع‌هایی از آن نشأت می‌گیرد، اشاره کرده و در ادامه به نقل روایتی پرداخته که یکی از مصادیق ظاهری این عبارت است:

«روي انس بن مالك عن النبي صلى الله عليه وسلم أن هذه الشجرة الطيبة هي النخلة». (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۹۱) درحالی که در مصادر شیعه در تبیین همین عبارت، روایاتی از امام پنجم و ششم (ع) نقل شده است و به معانی باطنی آیه اشاره دارد:

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ * وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ ص أَصْلُهَا - وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فَرْعُهَا، وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا أَغْصَانُهَا، وَ عِلْمُ الْأَئِمَّةِ ثَمَرُهَا، وَ شَيْعَتُهُمْ وَرَقُّهَا، فَهَلْ تَرَى فِيهَا فَضْلًا قُلْتُ: لَا وَ اللَّهُ قَالَ: وَ اللَّهُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَمُوتُ - فَتَقْطَعُ وَرَقَةً مِنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ، وَ إِنَّهُ لَيُبَوِّدُ فَتَوَرَّقُ وَرَقَةً فِيهَا، قَالَ: قُلْتُ: * تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَأْذِنُ رَبُّهَا * قَالَ: يَغْنِي مَا يَخْرُجُ إِلَى النَّاسِ مِنْ عِلْمِ الْإِمَامِ - فِي كُلِّ حِينٍ يُسْأَلُ عَنْهُ». (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۲، ص ۲۲۴؛ با سند دیگر کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۴۲۸)

این روایت با همین مضمون و تفاوت در برخی واژگان و جملات در دیگر مصادر کهن شیعی نقل شده است (قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۳۶۹؛ صفار، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۷۹). طبرسی نیز علاوه بر روایت اول/تبیان، روایت باطنی مذکور را نیز نقل کرده است. (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۶، ص ۴۸۰)

در نمونه دیگر، شیخ طوسی ذیل آیه ۱۰۷ آل عمران در تفسیر آیه *وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ*، دو قول "کتاب الله" و "دین اسلام" را به نقل از مفسران بیان کرده (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۵۴۵)، ولی طبرسی علاوه بر دو مورد *التبیان*، این روایت را نیز نقل کرده است: «ما رواه أبان بن تغلب عن جعفر بن محمد (ع) قال نحن حبل الله الذي قال *وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا*». (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۲، ص ۸۰۵)

وی در ادامه، با نقل روایت ثقلین و استدلال به آن، نکته ظریفی را بیان کرده و حمل هر سه قول را بر عبارت «حبل الله» بهتر دانسته است. (برای نمونه‌های بیش تر در *مجمع البیان* نک. طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۷۰/۱/۲؛ ۹۸/۳ و ۲۲۷؛ ۵۴۵/۶؛ ۱۷/۹ و ۱۴۹)^۱

طبرسی در نقل روایات فضایل، در برخی موارد، نسبت به *التبیان* یک مرحله پیش تر رفته و علاوه بر ذکر روایاتی که از اهل سنت در تبیین معانی ظاهری نقل شده، روایات بیش تری از شیعه آورده است؛ مثلاً در تفسیر آیه *أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ* (انبیاء/۱۰۵)، پنج روایت درباره حضرت مهدی (ع) آورده است (همان، ج ۷، ص ۱۰۶)؛ البته طبرسی نیز همانند شیخ طوسی، در برخی موارد به مضمون روایت اشاره کرده و به صورت کامل به روایات باطنی، تصریح نکرده (همان، ج ۲، ص ۷۹۸؛ ج ۳، ص ۱۹۵ و ج ۹، ص ۱۷) و درواقع موقعیت را برای نقل کامل آن‌ها مناسب ندیده است.

۴. پرهیز از نقل روایات مذمت و اشکال بر خلفا

یکی از اصول مشترک بین فریقین، جایگاه خاص صحابه پیامبر و رعایت حرمت آنان است. اگرچه شیعه در اصل حجیت اقوال صحابه و عدالت آنان با اهل سنت، اختلاف نظر دارد، با توجه به این که این موضوع یک اصل اعتقادی در اهل سنت محسوب می شود (خطیب بغدادی، بی تا، ج ۱، ص ۴۶؛ عسقلانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۱۶۱)، در جهت تقریب مذاهب اسلامی از توهین و مذمت آن‌ها پرهیز می نماید. در شأن نزول آیات آغازین سوره عبس: *عَبَسَ وَتَوَلَّى * أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى * وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَรْكَى *، مفسران درباره شخصی که ترش رویی نمود، اقوال مختلفی نقل کرده اند. شیخ طوسی می نویسد:

^۱ -ذیل این آیات: (آل عمران/۷، نساء/۵۸ و ۱۷۴، نحل/۱۶، محمد/۹، فصلت/۳، واقعه/۱۰).

«بیش تر مفسران و حشویه، معتقدند که پیامبر اسلام (ص) ترش رویی نمود و این روایت را نقل کرده‌اند: "أن النبي صلى الله عليه وآله كان معه جماعة من أشراف قومه ورؤسائهم قد خلا بهم فاقبل ابن أم مكتوم ليسلم فأعرض النبي صلى الله عليه وآله عنه كراهية أن تكره القوم إقباله عليه فعاتبه الله على ذلك"». (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۶۸)

او در ادامه، این قول را فاسد دانسته و با استناد به آیات قرآن، روایات و برهان عقلی آن را رد و از ساحت پیامبر دفاع نموده است. هم چنین قولی را نقل می کند که نشان می دهد شأن نزول این آیات، داستان دیگری بوده است:

«وقال قوم: إن هذه الآيات نزلت في رجل من بني أمية كان واقفاً مع النبي صلى الله عليه وآله، فلما أقبل ابن أم مكتوم تنفر منه و جمع نفسه و عبس في وجهه و أعرض بوجهه عنه فحكى الله تعالى ذلك و أنكره معاتبه على ذلك». (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۶۹)

علی بن ابراهیم، این قول را با تصریح به اسم خلیفه سوم به عنوان شخص عبوس در تفسیرش نقل کرده است (قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۴۰۴). طبرسی نیز به صورت مفصل تر، سبب نزول اولیه آیه را آورده و سپس با نقل نظر سید مرتضی و سخنانی نزدیک به سخنان شیخ طوسی، شبهه ترش رویی پیامبر را رفع نموده و در ادامه، همان روایت/تبیان را از قول امام صادق (ع) نقل کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ص ۶۶۴). با دقت در نوع نقل ها، متوجه می شویم که شیخ طوسی روایت را با «قال قوم» و «رجل من بنی أمیه» آورده و طبرسی نام امام را ذکر کرده است. در واقع/تبیان نسبت به قمی و طبرسی، تقریبی تر عمل نموده است. در برخی موارد، شیخ طوسی در نقل فضایل مورد اختلاف برای صحابه، با استدلال و استشهاد به تاریخ، نظر مخالف را رد و نظر خود را اثبات کرده و در پایان بحث نیز به این نکته اشاره نموده که این مطلب طعنی بر ایشان نیست (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۵۷۷ و ج ۹، ص ۳۲۷)؛ برای نمونه، ذیل آیه «إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا أَتَيْنِي إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْغَلِيَّةُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه/۴۰) می نویسد:

«در آیه چیزی که بر فضیلت ابوبکر دلالت کند، وجود ندارد؛ زیرا در آیه، تنها خبر از همراه بودن شخصی با پیامبر است و تسمیه «صاحب» بر کسی افاده فضل نمی کند؛ چرا که

خداوند در قرآن، این واژه را برای مؤمن و کافر به کار برده است: «قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ» (کهف/۳۸). موضوع نزول سکینه بر پیامبر بوده است؛ زیرا در جمله بعد، پیامبر را به جنود غیبی تأیید کرده که مختص به ایشان است و مطالبی که گفتیم، طعن بر خلیفه اول نیست؛ زیرا استدلال به آیه برای فضیلت او صحیح نیست. (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۲۲۳)

طبرسی ذیل همین آیه فقط به این نکته اشاره می کند:

«ارجاع ضمیر هاء در «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ» به ابوبکر بعید است؛ زیرا ضمائر پیش از این جمله در آیه به پیامبر برمی گردد و «سکینته» در آیات (توبه/ ۲۶ و فتح/ ۲۶) نیز به پیامبر استناد داده شده است». (طبرسی، ۱۳۷۲، ش، ج ۵، ص ۴۹)

طبرسی در پایان نیز بدون اشاره به استدلال شیخ می نویسد:

«شیعه در تخصیص سکینه به پیامبر، گفتاری دارد که ما چون نخواستیم مورد اتهام قرار گیریم، از نقل آن خودداری کردیم». (طبرسی، ۱۳۷۲، ش، ج ۵، ص ۴۹)

در این جا طبرسی برخلاف نقل شیخ طوسی، فقط به اختلاف نظر شیعه اشاره کرده و توضیح بیش تری نداده است.

۵. اشاره به روایات شیعه با عبارت «قال قوم» و...

استفاده از عناوین مجهول، یکی از روش های نقل اقوال و روایات تفسیری در التبیان است. گروه های فکری و اعتقادی زیادی، قبل و هم زمان عصر شیخ طوسی، در بین مسلمانان وجود داشتند که هر کدام صاحب نظر و آثار بودند. شیخ طوسی بدون اشاره به نام این گروه ها، با عبارت «قال قوم» و «قیل»، آراء آنها را نقل کرده و گاه نیز نظریاتشان را نقد و بررسی نموده است. «قال قوم» از جمله عبارت های پرتکرار در التبیان (۹۱۶ مورد) است.^۱ این عبارت، نه فقط بیان کننده آراء تفسیری، بلکه برای نقل روایات و آراء ادبی، فقهی، کلامی و... استفاده شده است. کاربرد این کلیدواژه در نقل روایات نیز فراوان است؛ اما در نقل روایات شیعه، کم تر استفاده شده و موارد آن محدود است.

^۱ برخی نظریات نیز با عبارات «استدل قوم» یا «ذهب قوم» بیان شده است. (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۱۲۹ و ۱۹۷؛ ج ۶، ص ۱۰۱)

شیخ طوسی در برخی موارد، برای کم کردن حساسیت و تعصب دیگر مذاهب، نسبت به نظریات روایی شیعه، این موارد را به «قوم» نسبت می‌دهد؛ برای نمونه، ذیل آیه *وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يَكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ* (نمل / ۸۳) آورده است:

«و استدلل به قوم علی صحة الرجعة فی الدنيا، لأنه قال: من کل أمة و هی للتبعیض فدل علی ان هناك یوماً یحشر فیہ قوم دون قوم، لأن یوم القیامة یحشر فیہ الناس عامة...» (طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۱۲۰)

با این که اعتقاد به رجعت از اعتقادات شیعه امامیه است (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ص ۶۰)، شیخ این مطلب را آشکارا نگفته، ولی در تفسیر قمی به این مطلب اشاره شده است:

«... فَقَالَ الرَّجُلُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنَّ الْعَاقَةَ تَزْعُمُ أَنَّ قَوْلَهُ *وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا* عَنَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): أَفَيَحْشُرُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا وَيَدْعُ الْبَاقِينَ لَا، وَلَكِنَّهُ فِي الرَّجْعَةِ، وَأَمَّا آيَةُ الْقِيَامَةِ فِيهِ *وَحَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نَغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا*» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۳۰)

طبرسی در تفسیر همین آیه، استدلال شیخ را نقل می‌کند و برعکس التبیان، قول رجعت را آشکارا به امامیه نسبت می‌دهد و به تظاهر روایات شیعه در این زمینه اشاره و ادله و ابعاد رجعت را نیز تبیین می‌نماید:

«و قد تظاهرت الأخبار عن أئمة الهدى من آل محمد ص في أن الله تعالى سيعيد عند قيام المهدي قوما ممن تقدم موتهم من أوليائه و شيعته ليفوزوا بثواب نصرته و معونته و يبتهجوا بظهور دولته و يعيد أيضا قوما من أعدائه لينتقم منهم و ينالوا بعض ما يستحقونه من العذاب في القتل علی أيدي شيعته و الذل و الخزي بما يشاهدون من علو كلمته و لا يشك عاقل أن هذا مقدور لله تعالى غیر مستحيل في نفسه و قد فعل الله ذلك في الأمم الخالية و نطق القرآن بذلك في عدة مواضع مثل قصة عزيز و غیره علی ما فسرناه في موضعه و صح عن النبي (ص) قوله سيكون في أمتي كل ما كان في بني اسرائيل حذو النعل بالنعل و القذة بالقذة حتی لو أن أحدهم دخل جحر ضب لدخلتموه...» (طبرسی، ۱۳۷۲، ش، ج ۷، ص ۳۶۷)

بنابراین، روشن است که یا زمینه طرح این موضوع برای شیخ طوسی مناسب نبوده و یا اصلاً باهدف تقریب، در پی طرح موضوع رجعت با توضیحات بیش تر نرفته است. «قال قوم» در مجمع‌البیان ۶۶ بار تکرار شده است. این آمار نشان می‌دهد که طبرسی با صراحت بیش تر

به نقل اقوال، به ویژه روایات اعتقادی شیعی پرداخته است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، با موضوعات امامت، ج ۱، ص ۳۷۸؛ شفاعت، ج ۱، ص ۲۲۳؛ مهدویت، ج ۱، ص ۴۲۶؛ بخشش فدک، ج ۶، ص ۶۳۴؛ تقیه: ج ۸، ص ۸۱۰). ذکر این نکته ضروری است که نقل مباحث تفسیری بدون اشاره به نام صاحب آراء، در تفاسیر مورد بحث، انگیزه های دیگری نیز دارد که قابل بررسی است.^۱ موارد دیگر نقل روایات شیعه با عنوان "قیل" در التبیان دیده می شود. (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۱۲۴ و ۴۳۸؛ ج ۸، ص ۱۳۱)

۶. ذکر نام اهل بیت (ع) هم رتبه با صحابه یا تابعین در نقل روایات

دسته بندی راویان با توجه به درک حضور دوران زندگی پیامبر (ص) و صحابه، یکی از قواعد رجالی نزد عالمان حدیث است. در مجامع روایی و کتب رجالی اهل سنت، به غیر از امامانی از شیعه که در ردیف صحابه ذکر می شوند، نام امام سجاد و امام باقر (ع) در ردیف تابعان شمرده شده است (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۵، ص ۱۶۲ و ۲۴۶؛ ابن حبان، ۱۳۹۳ ق، ج ۵، ص ۱۵۹ و ۳۴۸). شیخ طوسی این قاعده را در نقل روایات تفسیری التبیان رعایت کرده است. روایاتی در التبیان مشاهده می شود که به صورت مشترک، هم از صحابه و تابعین و هم از اهل بیت (ع) نقل شده است. شیخ طوسی در نقل این روایات، نام امامان (ع) را با توجه به همین قاعده ذکر می نماید. وی نام حضرت علی و امام حسن (ع) را در ردیف صحابه و نام امام سجاد و امام باقر (ع) را در ردیف تابعین آورده است؛ برای نمونه، در تفسیر آیات ۷ و ۸ سوره طور، دو روایت از حضرت علی (ع) نقل کرده است:

«وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ* قِيلَ: هُوَ بَيْتُ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ بِحَيْثُ الْكَعْبَةِ، تَعْمُرُهُ الْمَلَائِكَةُ بِمَا يَكُونُ مِنْهَا فِيهِ مِنَ الْعِبَادَةِ؛ وَ رَوَى ذَلِكَ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَابْنِ عَبَّاسٍ وَجَاهِدٌ وَقَالَ الْحَسَنُ: *الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ*: الْبَيْتُ الْحَرَامُ، وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَاهِدٌ وَقَتَادَةُ وَابْنُ زَيْدٍ: *السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ* هُوَ السَّمَاءُ». (طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۴۰۲)

با توجه به رتبه صحابی حضرت علی (ع)، نام ایشان را قبل از تابعین ذکر می نماید. همین مطلب در مجمع البیان نقل شده، ولی جداگانه روایت حضرت علی (ع) را نقل کرده که

^۱ برای مثال، این نظریات نزد نویسنده اعتبار لازم را ندارد و یا نظر گروه های مطرود جامعه آن زمان بوده است.

گویا تأکیدی بر آن باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ش، ج ۹، ص ۲۴۷). این روش به صورت گسترده در *التبیان* استفاده شده است. هم‌چنین شیخ طوسی در تفسیر آیه *سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ* (آل عمران / ۱۸۰) این روایت را نقل کرده است:

«رواه ابن مسعود عن النبي (ص) أنه شجاع أقرع يطوقونه وهو المروي عن أبي جعفر (ع) وقال إبراهيم النخعي: انهم يطوقون طوقاً من نار». (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۶۴)

در این جا نام امام باقر (ع) را بعد از ابن مسعود صحابی ذکر کرده است. طبرسی نیز همین قاعده را در تفسیر آیه ۱۹۳ سوره بقره رعایت کرده و در نقل روایت به ترتیب، ابتدا نام صحابی، بعد تابعین و بعد امام ششم (ع) را آورده است:

«*وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً...*. أي شرك عن ابن عباس وقتادة ومجاهد وهو المروي عن الصادق (ع)». (طبرسی، ۱۳۷۲، ش، ج ۲، ص ۵۱۳)

رعایت این ترتیب که در کتب روایی و تفسیری اهل سنت مطرح است، در نقل روایات در یک تفسیر شیعی، می‌تواند روشی برای رعایت الگوی تفسیر تقریبی باشد که در تفاسیر اهل سنت صورت گرفته است. (برای نمونه‌های بیش‌تر نک. طوسی، بی تا، ۱/۱۶۹ و ۳۳۰؛ ۳/۶۴؛ ۵/۴۳۱؛ ۷/۳۱۰ و ۹/۴۰۹؛ ۹/۱۵۸ و ۲/۴۰۲) و در *مجمع‌البیان* نک. طبرسی، ۱۳۷۲، ش، ۴۶۳/۱ و ۴۸۰؛ ۲/۵۱۴؛ ۳/۳۲۱؛ ۴/۴۸۷ و ۸۱۸ و ۶/۴۸۳)

نتیجه

نتایجی که از نوشتار حاضر به دست می‌آید عبارتند از:

۱. ویژگی‌هایی در دو تفسیر *التبیان* و *مجمع‌البیان* مشاهده می‌شود که بیان‌کننده رویکرد تقریبی این دو تفسیر است.
۲. در مقایسه فضای نگارش این دو تفسیر، فضای نگارش *مجمع‌البیان* به‌ویژه با مهاجرت طبرسی به مشهد و منطقه بیهق، مناسب‌تر بوده، در نتیجه نقل روایات و بسط نظریات اعتقادی شیعه در آن بیش‌تر مشاهده می‌شود.
۳. نقل قرائات، تأکید بر عدم تحریف قرآن، توجه به اقوال مفسران عامه و نقل آراء فقهی مذاهب و روش نقل روایات در *التبیان* از شاخص‌های تقریبی آن است.

۴. روایات نقل شده از اهل بیت (ع)، استفاده از منابع تفسیری اهل سنت، خودداری از نقل روایات باطنی شیعه، اشاره به معارف شیعه و عدم تصریح به آن‌ها و رعایت رتبه اهل بیت (ع) در ردیف صحابه و تابعان، از ویژگی‌های *التبیان* به شمار می‌آید که در برخی موارد در *مجمع البیان* نیز رعایت شده است.

۵. با در نظر گرفتن روش تفسیری *التبیان* به‌ویژه در نقل روایات، می‌توان شیخ طوسی را مبدع و بنیان‌گذار سبک تفسیر تقریبی دانست. این روش در تفاسیر بعدی شیعه به‌ویژه *مجمع البیان* ادامه یافته است.

منابع

قرآن کریم.

- ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۱۹ ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی الکریم (۱۳۸۵ ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴ ق)، *اعتقادات الإمامیه (للمصدوق)*، قم: کنگره شیخ مفید.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ ش)، *الخصال*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ ق)، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، تهران: جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۱ ش)، *معانی الأخبار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی بن محمد (۱۴۱۲ ق)، *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حبان، محمد بن حبان بن احمد (۱۳۹۳ ق)، *الثقات*، چاپ اول، حیدرآباد دکن: دائرة المعارف العثمانیه.
- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ ق)، *الطبقات الکبری*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: موسسه البعثة.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ق)، *المحاسن*، قم: دارالکتب الإسلامیه.
- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، ابن فندق (بی تا)، *تاریخ بیهقی*، تهران: اسلامیه.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۸ ش)، *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی*، تهران: نشر علم.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ ق)، *احکام القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جهرمی، روح الله (۱۳۹۷ ش)، «مبانی تفسیر تقریبی»، مطالعات مقارنه‌ای مذاهب اسلامی، ۲، ص ۲۵-۴۸.
- حسن بن علی (ع)، امام یازدهم (۱۴۰۹ ق)، *التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن بن علي العسكري (ع)*، قم: مدرسه الإمام المهدي (ع).
- خطیب البغدادی، ابوبکر احمد بن علی (بی تا)، *الکفاية فی علم الروایة*، المدینة المنورة: المکتبة العلمیه.
- دوانی، علی و هم کاران (۱۳۴۹ ش)، *هزاره شیخ طوسی*، تهران: دارالتبلیغ.
- ذهبی، محمد السیدحسین (بی تا)، *التفسیر و المفسرون*، قاهره: مکتبه وهبه.
- سجادی، سید صادق، «مقاله آل بویه»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱، ص ۶۳۹-۶۴۶.
- سبکی، عبدالوهاب بن علی (بی تا)، *طبقات الشافعية الکبری*، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (بی تا)، *طبقات المفسرین*، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- شاکر، محمدکاظم و هم کار (۱۳۹۶ ش)، «جریان شناسی و آسیب شناسی تفسیر تطبیقی در سده‌های ۴ تا ۶ هجری»، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، شماره ۳۰، ص ۷-۲۶.

صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفة.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق)، *تهذیب الأحکام*، تحقیق خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی بن محمد بن احمد بن حجر (۱۴۱۵ ق)، *الإصابة فی تمييز الصحابة*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم (۱۳۸۷ ش)، *طبقات مفسران شیعه*، قم: نشر نوید اسلام.

علم الهدی، علی بن الحسین (۱۴۳۱ ق)، *تفسیر الشریف المرتضی (نفائس التأویل)*، بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق)، *التفسیر*، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.

فقیهی، علی اصغر (۱۳۷۸ ش)، *تاریخ آل بویه*، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

فیروز مندی بندپی، جعفر و زهره نریمانی (۱۳۸۸ ش)، *سیر تطور حدیث شیعه در مدرسه ری*، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کریمان، محسن (۱۳۶۱ ش)، *طبرسی و مجمع البیان*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کریمی نیا، مرتضی (۱۳۸۵ ش)، «شیخ طوسی و منابع تفسیری وی در التبیان»، فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۷۴.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

نجارزادگان، فتح الله (۱۳۹۰ ش)، *بررسی تطبیقی مبانی تفسیر فریقین*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ ش)، *رجال النجاشی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

وزیر مغربی، حسین بن علی (۱۴۲۱ ق)، *المصاییح فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: عبدالکریم بن صالح بن عبدالله الزهرانی، بی جا، جامعه ام القرى.

Bibliography

The Holy Qur'an;

‘Aqīqī-Bakhshāyishī, ‘Abdul-Raḥīm (1970), *Ṭabaqāt-i Mufasssīrān-i Shī‘a*, Qum, Navid-i Islām.

‘Askarī (Imām), Ḥasan b. ‘Alī (1989), *al-Tafsīr al-Mansūb ilā al-Imām Ḥasan al-‘Askarī*, Qum: Madrasa Imām Mahdī.

- ‘Asqalānī, Aḥmad b. ‘Alī b. Muḥammad (1995), *al-Iṣāba fī Tamyīz al-Ṣaḥāba*, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya.
- ‘Ayyāshī, Muḥammad b. Mas‘ūd (2001), *Tafsīr al-‘Ayyāshī*, Tehran: Maktaba al-‘Ilmīyya al-Islāmīyya.
- Bahādūrī Jahrumī, Rūḥullāh (2018), “Mabānī-i Tafīsr-i Taqrībī” in: *Muṭālī‘ātī Muqārana ‘ī-i Mazāhib-i Islāmī*, vol. 2, no. 2, pp. 24-48.
- Baḥrānī, Hāshim (1995), *Al-Burhān fī Tafsīr al-Qur‘ān*, Qum: Bi‘that.
- Barqī, Aḥmad b. Muḥammad (1952), *al-Maḥāsīn*, Qum: Dār Al-Kutub Al-Islāmīyya.
- Bayhaqī, ‘Alī b. Zayd (n.d.), *Tārīkh Bayhaq*, Tehran: Islāmīyya.
- Davānī, ‘Alī et al. (1970), *Hizāri-yi Shaykh-i Ṭūsī*, Tehran: Dār al-Tablīgh.
- Dhahabī, Muḥammad-Ḥusain (1989), *al-Tafsīr wal-Mufasssīrūn*, Cairo: Maktaba Wahba.
- Faqīhī, ‘Alī-Aṣghar (1999), *Tārīkh-i Āl-i Būya*, Tehran: Markaz-i Taḥqīq va Tawṣā‘a-yi ‘Ulūm-i Insānī.
- Fīrūzmandī Bandpay, Ja‘far and Zuhra Naṣīmānī (2009), *Sayr-i Taṭawwur-i Ḥadīth-i Shī‘a dar Madrasa-yi Ray*, Kermanshah: Dānishgāh-i Āzād-i Islāmī.
- Ibn Abī Ḥātam, ‘Abdul—Raḥmān b. Muḥammad (1995), *Tafsīr al—Qur‘ān al-‘Aẓīm*, edited by al-Sa‘d Muḥammad Ṭayyib, Riyadh: Maktaba Nazār Muṣṭafā al-Bāz.
- Ibn Athīr al-Jazarī, ‘Alī b. Abī al-Karam (1966), *al-Kāmil fī al-Tārīkh*, Beirut: Dār Ṣādir.
- Ibn Bābiwayh, Muḥammad b. ‘Alī (1981), *Man Lā Yaḥḍuruh al-Faqīh*, Qum: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī.
- Ibn Bābiwayh, Muḥammad b. ‘Alī (1983), *al-Khiṣāl*, Qum: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī.
- Ibn Bābiwayh, Muḥammad b. ‘Alī (1983), *Ma‘ānī al-Akḥbār*, Qum: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-i Jāmi‘a-yi Mudarrisīn-i Ḥawza-yi ‘Ilmīyyah-yi Qum.
- Ibn Babiwayh, Muḥammad b. ‘Alī (1994), *al-‘Itiqādāt al-Imāmīyya*, Qum: al-Mu‘tamar al-‘Ālamī li-Shaykh al-Mufīd.
- Ibn Babiwayh, Muḥammad b. ‘Alī (1999), ‘Uyūn Akḥbār al-Riḍā, Qum: Jahān, 1999.
- Ibn Ḥabbān Bustī, Muḥammad b. Aḥmad (1973), *al-Thiqāt*, Hyderabad: Dār al-Ma‘ārif al-‘Uthmānīyya.
- Ibn Jawzī, ‘Abdul—Raḥmān b. ‘Alī (1992), *al-Muntaẓam fī Tārīkh al-Umam wa al-Mulūk*, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya.
- Ibn Sa‘d, Muḥammad b. Sa‘d b. Manī‘ (1990), *al-Ṭabaqāt al-Kubrā*, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya.
- Ja‘farīān, Rasūl (2007), Tārīkh-i Tashayyū‘ dar Īrān az Āghāz tā Ṭulū‘-i ‘Aṣri Ṣafavī, Tehran: ‘Ilm.
- Jaṣṣāṣ, Aḥmad b. ‘Alī Abū-Bakr (1985), *Aḥkām al-Qur‘ān*, edited by Muḥammad-Ṣādiq al-Qamḥāwī, Beirut: Dār Ihya‘ al-Turāth.
- Karīmān, Muḥsin (1982), *Ṭabrisī va Majma‘ al-Bayān*, Tehran: Dānishgāh-i Tihrān.
- Karīmīnīā, Murtaḍā (2006), “Shaykh-i Ṭūsī va Manābi‘-i Tafsīr-i Vey dar al-Tibyān” in: *Muṭālī‘āt-i Tafsīrī*, vol. 22, no. 74, pp. 81-111.
- Khaṭīb Baghdādī, Aḥammad b. ‘Alī (n.d.), *al-Kifāya fī ‘Ilm al-Dirāya*, Medina: al-Maktaba al-‘Ilmīyya.

- Kulaynī, Muḥammad b. Ya'qūb (1966), *al-Kāfī*, edited by Muḥammad Ghaffārī and Muḥammad Ākhūndī, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya.
- Majlisī, Muḥammad-Bāqir (1983), *Bihār al-Anwār*, Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
- Najāshī, Aḥmad b. 'Alī (1987), *Rijāl Najāshī*, Qum: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī-i Jāmi'a-yi Mudarrisīn-i Hawza-yi 'Ilmīyyah-yi Qum.
- Najjārzādigān, Faṭḥullāh (2004), *Tafsīr-i Taṭbīqī*, Qum: Markaz-i Jahānī-i 'Ulūm-i Islāmī.
- Qummī, 'Alī b. Ibrāhīm (1984), *Tafsīr al-Qummī*, edited by Sayyid Ṭayyib Mūsawī Jazā'irī, Qum: Dār al-Kitāb.
- Ṣaffār Qummī, Muḥammad b. Ḥasan (1984), *Baṣā'ir al-Darajāt fī Faḍā'il Āl-i Muḥammad*, Qum: Maktaba Āyatullāh al-Mar'ashī al-Najafī.
- Sajjādī, Ṣādiq (1988), "Āl-i Būya", in: *Dā'iratul-Ma'ārif-i Buzurg-i Islāmī*, edited by Kāzīm Mūsawī Bujnūrdī, Tehran: Markaz-i Dā'iratul-Ma'ārif-i Buzurg-i Islāmī, vol. 1, pp. 639-46.
- Sayyid Murtaḍā, 'Alī b. Ḥusayn (2010), *Nafā'is al-Ta'wīl*, Beirut: A'lamī.
- Shākir, Muḥammad-Kāzīm and Insīyya 'Askarī (2017), "Jaryānshināsī va Āsībshināsī-i Tafsīr-i Taṭbīqī dar Sadi-hā-yi 4 tā 6 Hijrī", *Pajūhishnāmi-yi Ma'ārif-i Qur'ān*, vol. 1, no. 30, pp. 7-26.
- Subkī, 'Abdul-Wahhāb b. 'Alī (n.d.), *Ṭabaqāt al-Shāfi'īyya al-Kubrā*, Cairo: Dār Ihya' al-Kutub al-'Arabīyya.
- Suyūṭī, 'Abdul-Raḥmān b. Abī-Bakr (n.d.), *Ṭabaqāt al-Mufasssirīn*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya.
- Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr (1991), *Jāmi' al-Bayān 'an Ta'wīl Āy al-Qur'ān*, Beirut: Dār al-Ma'rifa.
- Ṭabrisī, Faḍl b. Ḥasan (1994), *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān*, edited by Sayyid Faḍlullāh Ṭabāṭabā'ī Yazdī and Sayyid Ḥāshim Rasūlī-Maḥallātī, Tehran: Naṣir Khusruw.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan b. 'Alī (1987), *Tahdhīb al-Aḥkām*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan b. 'Alī (1999), *al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'ān*, Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
- Wazīr Maghribī, Ḥusayn b. 'Alī (2001), *al-Maṣābīḥ fī Tafsīr al-Qur'ān al-'Aẓīm*, edited by 'Abdul-Karīm b. Ṣāliḥ b. 'Abdullāh al-Zahrānī, n.p.: Jāmi'a Umm al-Qurā.